**

*اللهم صل علی حمد و آل محمد و عجل فرجهم*

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستبراء /مساله1و2

خارج فقه ج ‌44 - احکام تخلی – 14/9/1400

امر نهم : مرحوم سید بعد از بیان فائده استبراء به ملحقات این فائده پرداخته است مهمترین ملحقات آن این است که در طول مدت انسان یقین پیدا کند که هیچ قطره ای از بول در مجرا باقی نمانده است لذا اگر چیزی خارج شود بول نیست بلکه از انتهای مخرج آمده است و ظن به عدم بقاء هم کافی نیست

اشکال مرحوم امام در تعلیقه به ایشان : در کلام ایشان تهافت است از یک طرف می گوید فائده استبراء در طول مدت یقین پیدا کند چیزی باقی نمانده و از سوی دیگر می گوید اگر چیزی آمده احتمال می دهد که از بالا یعنی فوق مجرا است خارج شده است که اگر قطع به عدم پیدا کرد دیگر احتمال معنا ندارد

جواب: در کلام مرحوم سید تهافت نیست چون استبراء و طول مدت اماره قطعیه هستند که بلل مشتبه از رطوبات بولیه نیست اما اینکه سید کلمه احتمال فرمود چون در جایی که محتمل البولیه است اصالة الطهارة جاری است اتفاقا اطلاق ادله اعتبار استبراء می گوید در جایی که احتمال می دهید قطره ای که خارج شده بول است ، در آنجا حکم به برائت محل از بول کنید چون آنچه که اطلاق را از حجیت می اندازد یقین به بقای بول است نه احتمال

اشکال آیة الله مکارم( حفظه الله تعالی)به مرحوم سید : که تأثیر طول مدت در علم به عدم بقای شیی محل تامل و اشکال است یعنی اینکه از زمان استبراء مدتی بگذرد و حرکت هایی و نشست و برخواست هایی در این مدت اتفاق بیفتد و چیزی از مخرج خارج نشود اینکه سید فرمود نشانه و عدم علم در محل شیی در مجرا هست این حرف اشکال دارد

جواب : این اشکال وارد نیست چون امر به استبراء ارشادی است نه تعبدی و فلسفه استبراء سد احتمال و اماریت است بله اگر استبراء تعبدی بود اشکال فوق وارد بود و لذا زمان تاثیر دارد چون اگر بلافاصله بعد از استبراء قطرات بول آمد معلوم می شود که استبراء ناقص بوده است

امر دهم : استبراء مختص به مرد است نه زن چون روایات مختص به مرد بود و در مورد زن روایت نیامده است ولی علامه در منتهی ج ۱ ص ۲۵۶ قائل به تعمیم شدند بین زن و مرد اما مستند تعمیم را ذکر نکردند و کیفیت آن را هم بیان نکردند بهتر آن است که زنها مقداری صبر کنند و چند تا سرفه کنند و مخرج خود را عرضی فشار دهند اما صبر را مرحوم شیخ در نجاة العباد ذکر کرد ولی علت و مدرک صبر را نگفت اما سرفه را ابن جنید نقل کرد و شهید در ذکری به سلار نسبت داد و در لمعه سرفه را بعد از استبراء گفت چون دلیل ندارند اما فشا عرضی را صاحب جواهر ذکر کرد از باب تسامح و اظهار در اخراج بول است

اما اولویت به خاطر این است که بین رطوبت مشتبه بین زن و مرد فرق است در رطوبت مشتبه زن حکم به پاکی می شود اما رطوبت مشتبه مرد حکم به نجاست قبل از استبراء است لذا کلمه اولیٰ و احتیاط در حق زن گفته شد چون اولا رطوبت زن نجس نیست و ثانیا ناقض وضو هم نیست و اگر شک کند قاعده طهارت جاری است

مساله یک : استبراء در اشخاص مقطوع الذکر. همان مقدار که باقی است چون معیار آن نقاء و پاکی است و روایت حفص مؤید است ینتره ثلاثة معیار بیرون آمدن است

مساله دوم : اگر کسی استبراء را ترک کرد و آن رطوبت مشتبه نجس و ناقض وضو است اگر چه از روی اضطرار ترک کند دلیل بر این مطلب روایاتی است که خوانده شد اما شیخ یوسف بحرانی از فقها تعجب می کند که فقها در ملاقی آبی که مشکوک به نجاست است حکم به طهارت می کنند اما در رطوبتی که مشکوک به بول است حکم نجاست می کنند در حالی که هر دو مساله از یک باب هستند حدائق ج ۲ ص ۹۹.